

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ورزشکاران جانباز - 23 شهریور / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

از زیارت شما عزیزان و پیروزیهایی که کسب کرده اید، خیلی خوشحال شدیم. ان شاء الله که خداوند شما را حفظ کند و موفق بدارد تا همیشه در صحنه های انقلاب بدرخشید؛ همچنان که در گذشته، در جنگ درخشیده اید و اکنون در میدانهای ورزش می درخشید.

من این مجموعه ورزشکاران و قهرمانان جانباز را نقطه ای می بینم که چند جریان خیر به آن منتهی می شود: اولاً جانباز، با وجود این که از لحاظ جسمانی ناقص است، باز همت می کند و با همتش به ملت و کشور و انقلابش آبرو می بخشد. این یک جریان خیر است که بسیار هم مهم است.

پس، معلوم می شود که همت انسانهای مؤمن، در پیروزیها بسیار کارساز است. چرا بعضی همت ندارند؟ چرا بعضی از نیروی خداداد استفاده نمی کنند؟ چرا بعضی اراده انسانی را دست کم می گیرند؟ آنها باید به این جوانان قهرمان بنگرند که به وسیله ایمان و اراده محکمشان، چه کارهای بزرگی انجام می دهند!

دوم؛ همین که ما برای شما که قهرمانان ورزشی هستید، ارزش قائل هستیم، نشان دهنده این است که ورزش در جامعه ما با ارزش است. از این رو، مردم هم باید پیرو شما که قهرمانان ورزشی هستید و در میدانهای مختلف، جوهر ملت خودتان را نشان می دهید، به دنبال ورزش بروند. نمی خواهیم همه قهرمان شوند و نمی شوند هم؛ اما می خواهیم همه به این نقطه های اوج بنگرند تا انگیزه پیدا کنند و به دنبال آن بروند؛ به حدی که هیچ کس نباشد که ورزش نکند. بنده مایلیم که جامعه و کشور ما این گونه باشد.

سوم؛ همان گونه که قبلاً حدس می زدم و بعد هم از برادرانی که با شما بودند شنیدم، در این سفر، با وظایف دینی تان مأنوس بوده اید و نماز جماعت برپای می داشته اید و به درگاه خداوند توجه و تضرع می کرده اید. اینها خیلی مهم است؛ همچنان که در جنگ هم، بسیار کارساز بود. البته اگر کسی با محاسبات مادی به این مسائل نگاه کند، چیزی نمی فهمد؛ لکن ما که دیدمان فرق می کند می فهمیم. ما فرق بین دو یگان رزمی را که یکی در شب حمله توسل و زیارت عاشورا و گریه و نماز شب داشت و با خدا و اولیای خدا بود، و دیگری که - اگر نگوییم به کارهای نامناسب مشغول بود - غافل بود و خوشگذران، به خوبی درمی یابیم. آنها می نشستند و با رفقا گپ می زدند و یا تا صبح می خوابیدند و بچه های ما، در شب حمله، با خدا بودند و به همین خاطر هم، فردای آن شب در جبهه جنگ، خدا را در کنار خود احساس می کردند. این در حالی بود که دشمن که در شب حمله از خدا غافل بود، در میدان جنگ و آن جا که جز خدا هیچ پشتیبانی نمی تواند انسان را دلگرم کند، پشتیبانی نداشت. خوب؛ بدیهی است چه کسی شکست می خورد و چه کسی پیروز می شود! نیروهای ما، تا آن وقت که توسل و تضرع و نفس گرم خدا جویشان در میدان جنگ با آنها بود، موفقیت داشتند و آن هنگام که ذره ای در توجه به این امور، سستی نشان می دادند، ناکامیهایشان آغاز می شد و باز که به حال اول برمی گشتند، آن پیروزیها و کامیابیهای بزرگ را به دست می آوردند.

عین همین قضیه، در میدان ورزش هم هست. فرق است بین آن تیمی که در شب مسابقه، با توجه و توسل و ذکر و امید به خدا و خالص کردن نیت، اوقات می گذراند و تیمی که آن شب را به خوشگذرانی می پردازد. اینها یکسان نیستند. در این باره، نقش کسانی که فدراسیون جانبازان را اداره می کنند، بسیار زیاد است. آقای «رفیق دوست» گفتند که بخش عمده این پیروزیها مربوط به اراده شماس است. درست است. اراده و ایمان شما، اصل همه چیز است. اما اگر شما مسؤولان فدراسیون جانبازان، بچه های حزب اللهی نبودید، باز هم این اراده و ایمان، بدین شکل وجود داشت؟ قطعاً جواب منفی است. از این رو، من معتقدم که باید در سرتاسر عرصه های ورزش، عناصر مؤمن، حزب اللهی و با خدا را - که کم هم نیستند - بیاوریم و مورد توجه و عنایات خودمان قرار دهیم؛ زیرا این، قطعاً در موفقیت ورزش ما اثر خواهد گذاشت؛ شك ندارم!

مادیات انسان از معنویات تغذیه می شود. امکان ندارد بتوانید نقش معنویات را از زندگی بشر حذف کنید؛ چون عوامل معنوی، در زندگی بسیار اثرگذارند. البته ممکن است مثلاً در عرصه ورزش، در کنار این عوامل معنوی، عوامل دیگری از جمله حس رقابت، پول، نام و نشان و این چیزها نقش داشته باشد؛ اما عوامل معنوی، از تمام اینها برتر و بالاتر و مؤثرتر است. چرا خودمان را از این عوامل معنوی محروم کنیم؟! ما که این همه ورزشکار مؤمن، خوب، حزب الهی و جبهه رفته در عرصه ورزشمان داریم، باید از آنها به کمال استفاده کنیم. یقیناً در کارها و پیشرفتهای شما و این افتخاری که به خواست خدا کسب کرده اید، معنویات، نقش اصلی را داشته است.

هفتاد و نه مدال طلا در تاریخ ورزش ایران، ظاهراً سابقه ندارد و گویا در طول این سالیان دراز، هرگز هیچ مجموعه ای نتوانسته است این همه طلا بیاورد! خوب؛ خدا خواست این کار را هم، مثل خیلی کارهای بزرگ دیگر، آقایان حزب اللهی انجام دهند تا یاهو گویان نگویند که «از حزب اللهی ها کاری بر نمی آید.» بفرمایید! همین جنگ را هم حزب اللهی ها به پیروزی رساندند و همین مرزهای کشور را هم حزب اللهی ها حفظ کردند. این را همه باور کنند. این که ما در صنعت و فناوری و پیشرفتهای علمی و فنی، با قبل از انقلاب، زمین تا آسمان فرق داریم، مرهون همین حزب اللهی ها هستیم. عمدتاً آنها کردند و عمدتاً آنها بودند که این بن بستها را گشودند و پیش رفتند. از این رو، در همه زمینه ها - هم زمینه های اقتصادی و هم ورزشی و هم علمی و فرهنگی - به فضل پروردگار، کار به دست همین حزب اللهی ها پیش رفته است. اکنون هم که بیشترین مدال را همین کاروان حزب اللهی ها و آن هم در چند رشته ورزشی محدود به ارمغان آورده است. این مملکت، مملکت حزب اللهی هاست و آینده این مملکت هم به دست همین حزب اللهی ها و نیروهای انقلابی و مؤمن رقم می خورد و هر جا هم مشکلی عمده پدید آید، آنها باید بیایند و آن را حل کنند. فضل پروردگار، این گونه هم خواهد شد.

خوب؛ همین باقی مانده است که به شما تبریک بگویم و از شما تشکر کنم. خیلی زحمت کشیدید. حقیقتاً، روزی که بنده خبر این موفقیتها را شنیدم (هر چند، وقت شنیدن بسیاری از خبرها را ندارم) پیوسته خدا را شکر کردم و شما را دعا. ان شاء الله موفق باشید!

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته